

پیدایش و چشم انداز وقف خانواده

ماجده اسماعیل عبد المحسن

مترجم: سید باقر حسینی

چکیده

مقاله حاضر که از انگلیسی به فارسی ترجمه شده به تعریف شرایط، طبقه بندی و قوانین وقف و سابقه وقف خانواده در اسلام می پردازد و آن را قسمی از اقسام وقف بر می شمارد و به محدودیت های اصلی وقف خانواده اشاره می کند سپس از انجایی که در حکومت های قبل و برخی از کشورهای عربی و اسلامی موانعی برای وقف خانواده ایجاد نموده اند به ارائه راه کارهایی از جمله بازنویسی قوانین نوین برای وقف خانواده، جهت جلوگیری از سوء استفاده فرصت طلبان از مقوله وقف می پردازد.

کلیدواژه ها :

اقسام وقف، وقف خیری، وقف اهلی، وقف مشترک، وقف خانواده، قوانین وقف، محدودیت های وقف



مبحث نیز اهمیت ایجاد وقف خانواده در زمان حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علل ابطال آن تقریباً در همه کشورهای اسلامی از سال های ۱۹۵۰ میلادی مطرح خواهد کرد. علاوه بر آن، در این مقاله توصیه ای برای بازبینی قانون وقف خانواده و تشویق مردم برای ایجاد وقف های جدید تقدیم خواهم کرد.

تعریف و طبقه بندی وقف

واژه های وقف (جمع آن اوقاف) و حبس (جمع آن احباس)، هر دو به معنای متوقف کردن، جلوگیری کردن، امتناع کردن یعنی الحبس و المنع. واژه تسبیل نیز به همان معنی بکاربرده می شود، یعنی، ایثار در راه خدا (فی سبیل الله).
وقف را می توان بدین صورت تعریف کرد:

نگهداری اموال (منقول یا غیر منقول) توسط بانی (بانین) و اهدای به ذی حق انتفاع از نمائات چه صاحبان حق عموم باشند و یا خانواده.

وقف به سه نوع تقسیم می شود، وقف خیری (وقف عموم)، الوقف الاهلی (وقف خانوادگی) و الوقف المشترك (آمیزه ای از وقف عام و خانواده).

از نظر تاریخی باید گفت که نهاد غیر انتفاعی وقف، نقش قابل توجهی در پیشبرد جوامع اسلامی همچنین در کمک به دولت اسلامی برای تهیه خدمات اساسی آنطور که هست ایفا کرده است. این نهاد از بخش های تربیتی بهداشتی حمایت، زیر بناهای اساسی را تدارک، تامین شغل، بالابردن فعالیت های تجاری، تهیه غذا برای گرسنگان، پناه دادن به مستمندان و نیازمندان و علاوه بر حمایت از بخش های کشاورزی صنعتی بدون هزینه برای دولت است.

به هرحال، این نقش از پایان قرن نوزدهم تاکنون که دولت ها در کشورهای مختلف مسلمان این حق را به خود دادند که امور حکومتی خود را متمرکز و وقف خانواده را ضبط و ملغی اعلام کنند، وخیم تر شده چراکه با انجام چنین کاری، دولت ها امید داشتند، تمام مشکلاتی که برای اموال وقفی در آن زمان اتفاق افتاد بود را حل خواهند کرد، ولی آنها درک نکردند که نقش قابل توجه وقف در طول قرن های گذشته، را از بین می برند.

این مقاله به پیدایش قانون و پیشرفت وقف خانواده خواهد پرداخت. این

وقف خیری / وقف عمومی

موقوفه یک واقف جهت حمایت از رفاه عموم مستمندان و نیازمندان در جامعه است. واقفین در این مورد، این نوع وقف را به صورت غیر منقول مانند ساخت مساجد، مدارس، بیمارستان ها، دارالایتام و مهمانخانه ها یا اموال غیر منقول مانند کتاب، اسلحه، غلات، پول و غیره را ایجاد می کنند.

الوقف الاهلی / وقف خانوادگی

الوقف الاهلی، الوقف الذری، وقف علی الولد همگی مانند هم و به وقف خانوادگی مربوط می شود. واقف، در این مورد، اموال خود را وقف فرزندان خود، نوادگان، آشنایان یا اشخاص دیگر که خود تعیین می کند. اگر افراد ذی نفع به تشخیص واقف دیگرزنده نیستند، در این صورت، اموال وقفی تنها برای مقاصد رفاه عموم واگذار می شود. این نوع وقف توسط حضرت پیامبر(صلی الله علیه وآله) مورد تأیید واقع شد، چون ایشان اصحاب خود را جهت وقف به نزدیک ترین خویشاوندان تشویق می کرد. علاوه براین، حضرت پیامبر(صلی الله علیه وآله) اعلام کرد که بهترین کار نیک، توجه به خواسته های خویشاوندان است که این عمل،

نیک تر از آن است که صدقه به متکدی داده شود.

الوقف المشترك / آمیزه وقف عمومی خانوادگی

وقف یک واقف جهت حمایت از عموم و خانواده است، یعنی، واقف قسمتی از اموال خود را به خانواده خود و قسمتی دیگر به عموم اهدا می کند. این نوع وقف توسط حضرت پیامبر(صلی الله علیه وآله) توصیه و همسران و اصحابش بدان عمل کردند.

قانون وقف خانوادگی

قانون وقف خانوادگی از همان قانون وقف عمومی تبعیت می کند. به عنوان نمونه، برای اینکه وقف خانوادگی معتبر باشد، شرایط و محدودیت های مشخصی وجود دارد که توسط اکثریت فقهای مسلمان مورد اتفاق قرار گرفته است. ما معتقدیم، در حال حاضر، طرح این شرایط و محدودیت ها بدلیل اهمیت احیای قانون وقف خانوادگی، سودمند است.

شرایط اعتبار وقف

پنج شرط اعتبار وقف به شرح زیر است:

به صورت نوشته توسط فقیه مسلمان بیشتر از نوع شفاهی آن سفارش شده است، ما سفارش می کنیم اگر همه سوابق و مستندات در پوشه های مناسبی در کامپیوترها به عنوان ذخیره حفظ و نگهداری شود، بهتر است. این امر از طرفی بر مدیریت مناسب تأکید دارد، و از طرفی دیگر اسناد را برای نسل آینده حفظ می کند.

محدودیت های کلیدی وقف خانوادگی

فقهای مسلمان در باره محدودیت های وقف، متفقند همین که اموالی به عنوان وقف شامل وقف خانوادگی بحساب آید، باید تحت سه محدودیت کلیدی قرار بگیرد.

* قطعیت

مهم ترین شاخص وقف است زیرا که اجماعی میان فقهای مسلمان وجود دارد که واقف نمی تواند اهدا را که از قبل به عنوان وقف اعلام کرده است، باطل کند. این یعنی همینکه یک واقف اعلام کند که اموالش وقف (عمومی یا خانوادگی) است، قطعیت پیدا می کند و وارثان وی نمی توانند اعتبار آن را عوض کند. این محدودیت ها تأکید

* واقف باید عاقل باشد، بالغ و حر و وی باید توانایی انتقال اموال از ملکیت خود به ملکیت خدا را دارا باشد. این بدان معنی است که وی مالک این اموال یا از درآمد خود یا از طریق میراث باشد.

* اموال اهدایی را می توان منقول یا غیر منقول تقسیم بندی کرد.

* واقف باید یک متولی (مورد اعتماد) منصوب نماید، یا خود را منصوب یا شخص معینی به جهت اداره امور و مدیریت وقف تعیین کند. وی نیز باید حق تعیین جانشین متولی خود در صورتی که متولی فوت کند یا ناتوان از انجام وظایف خود شود، داشته باشد.

* افراد ذی نفع باید توسط واقف در باره وقفیه (عمل وقفی) خود، تعیین شوند. این افراد ذی نفع را می توان یا خویشاوندان واقف یا برای عموم در صورتی که آنان وقف را در خصوص مسجد، مدرسه، بیمارستان و غیره باشد.

* ایجاد وقف می تواند شفاهی، یعنی، کلامی همراه با عملی، چون ساخت مسجد و دعوت مردم به نماز خواندن در آن باشد. یا وقف نیز می تواند به شکل نوشته موسوم به عمل وقف باشد. از آنجائی که این اعلام وقف

دارند که تا آنجایی که وقف برای اهداف انسانی واگذار شده، واقف یا نوادگان ایشان هیچگونه حق استرداد آن را ندارند. بنابراین، در این صورت، این امر به سود دهی اکثریت مردم ادامه و واقف، در همان حال، از خدا سبحانه و تعالی ثواب می گیرد.

* ابدی بودن

وقف درست از لحظه واگذاری است. اکثریت فقهای مسلمان متفقند که وقف از لحظه واگذاری ابدی می شود. این مهم، از طرفی، تأکید دارد که هیچ مصادره اموال وقفی توسط دولت یا افراد صورت نمی گیرد. و از طرف دیگر، این امر تأکید دارد که هیچ مصادره اموال وقفی توسط دولت یا افراد صورت نمی گیرد. و از سوی دیگر، این امر بر حمایت منظم و مستمر از وقف نسبت به خرج برای اماکن خیریه چون مسجد، بیمارستان، دارالایتام، مدرسه و غیره تأکید می کند.

برخی بر این باورند که غیر قابل انتقال بودن وقف از لحظه اعلام آن است. این مهم از لحظه انتقال اموال وقفی به خدا، شروع می شود، اگر چه حق انتفاع از مستغلات غیر از آن استنباط می شود، بتواند به نفع انسان باشد.

همه فقها متفق القول هستند که هیچ کس نمی تواند آن را مصادره کند و بنابراین اموال وقفی همچون سرمایه مسدود (بلوکه شده) است. اموال غیر قابل انتقال نمی توانند در معرض فروش، حل و فصل، رهن، هدیه، میراث یا هرگونه مصادره همانطور که در حدیث زیر مشخص شده است. همه این شرایط و محدودیت ها برای نسل های حال و آینده سودمند خواهد بود.

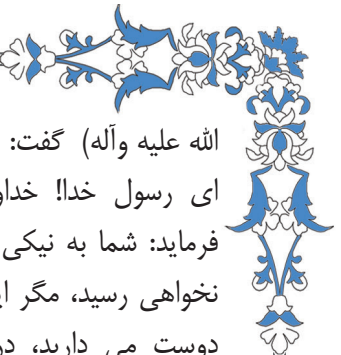
پیدایش وقف خانوادگی

اگر چه خداوند سبحانه و تعالی به واژه وقف در قرآن اشاره ای نکرده است، اما چند آیه ای در باره مسائل نیکوکاری حامل اصل وقف، همانطور که در آیه زیر بدان اشاره شده است، وجود دارد.

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

ابو طلحه این آیه قرآنی را تفسیر کرده بود. عبید الله یکی از اصحاب حضرت پیامبر(صلی الله علیه وآله) عزیزترین باغ خود به نام «بروحه» پر از نخل که روبروی مسجد النبی بود را وقف کرد.

حضرت پیامبر(صلی الله علیه وآله) به آنجا می رفت و از آب شیرین آن می نوشید. لذا، هنگامی که این آیه نازل شد، ابو طلحه به حضرت پیامبر(صلی



الله علیه وآله) گفت:

ای رسول خدا! خداوند سبحان می فرماید: شما به نیکی (پاداش بهشت) نخواهی رسید، مگر اینکه آنچه را که دوست می دارید، در راه خدا انفاق کنید. و بدون شک، باغ نخل «بروحه» عزیزترین اموال من است. بنابراین، من می خواهم آن را به عنوان کارنیک، در راه خدا بدهم. توقع ثواب آن را از خدا دارم. ای رسول خدا! آن راه، هر جا که خدا می خواهد، خرج کن. در این باره، حضرت پیامبر فرمود: این اموال مناسبی است. ای ابوطلحه! آنچه را که گفתי، شنیدم. و من فکر می کنم مناسب است که آن را به خویشوندان خود بدهی. ابوطلحه گفت: ای رسول خدا! این چنین خواهم کرد. ابوطلحه، سپس، آن باغ را در میان خویشوندان و پسر عموهای خود تقسیم کرد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، در بسیاری از احادیث ایجاد وقف خانوادگی را تشویق کرده است. به عنوان نمونه، حدیث زیر نه تنها ایجاد وقف خانوادگی را مشخص می کند، بلکه قانون و مدیریت آن را نشان می دهد:

این عمر نقل کرد: در زمان حیات پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، عمر قسمتی

از اموال خود را، یعنی باغ خرما به نام «صمغ» داد. و سپس گفت: یا رسول الله! اموال بسیار گرانبها دارم و می خواهم به عنوان امر خیر بدهم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود:

آن را به عنوان وقف، همراه با زمین و درختان، بدهید، به شرط اینکه زمین و درختان نه بفروش برسند، نه اهدا شوند و نه به ارث گذاشته شوند، اما میوه ها در راه خیر مصرف شوند. بنابراین، عمر آن را وقف کرد. در راه خدا، آزادی برده ها در راه مستمندان، مهمانان، مسافری و خویشاوندان بود. شخص شاغل به عنوان مدیر آن می تواند به طور معقول و منصفانه از آن بخورد و اجازه دهد دوست خود از آن میل نماید به شرط اینکه قصد ثروتمند شدن از آن را نداشته باشد.

حدیث فوق قوانین بسیاری را به تصویر می کشد. در مثال نخست، همینکه اموال وقف شود، نباید فروخته یا به ارث برده یا به عنوان هدیه داده شود. دوم اینکه، بستگی به واقف دارد که کسی یا نهادی احساس کند بیشتر بدان نیاز دارد، یعنی، به عموم یا به خانواده اش وقف نماید. در این صورت، خلیفه عمر هر دو را به عموم و خانواده اش اختصاص داد. سوم اینکه اداره امور

که وقف خانوادگی را از زمان حضرت پیامبر (صلی الله علیه وآله) را نشان می دهد. این گواه مناسبی برای کشورهایی که این نوع وقف را امروزه فسخ کرده اند، می باشد و ما آن را در زیر به بحث خواهیم گذاشت.

تغییر و تحولات وقف خانوادگی

سوء مدیریت قضیه وقف خانوادگی از زمان ممالک شروع شد. اما بدلیل قدرت فقهای مسلمان طی آن دوره که در برابر سلاطین و حاکمان مقاومت می کردند و از هرگونه ضرر به اموال وقفی جلوگیری می کردند، نهاد وقف زنده ماند. پیش از دوره ممالک، هیچگونه زمین وقفی کشاورزی نبود، زیرا که در آن دوره همه زمین ها متعلق به دولت بود، یعنی، مالکیت را مجددا بدست آورد، و آنچه را که به شهروندان عادی و کشاورزان صرفا حقوق مالکیت و حق انتفاع از مستغلات غیر بود. با این وجود، در دوران ممالک، وقف زمین کشاورزی مجوز داشت مردم، از آن زمان به بعد، شروع به وقف بسیاری، از جمله زمین های کشاورزی کردند. افزایش تعداد وقف ها، دولت را مجبور به ایجاد سه وزارتخانه نظارت بر چنین وقف هایی کرد: دیوان الاحباس و المساجد، دیوان

وقف نیز از زمانی که خود واقف وقف خود را اداره نماید، مشخص می شود و در همان وقت وی می تواند تا زمانی که انسان زنده ای به طور معقول از آن استفاده نماید.

نمونه های مشابه از اصحاب رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) چون الحمیدی و شیخ البخاری که نام صحابه، وقف ها و استفاده های آن را برده است، به استحضار رسید. وی گفت که خلیفه ابوبکر خانه اش را به فرزندانش وقف کرد، عمر بن الخطاب زمین خود در «صمغ» را به فرزندان خود وقف کرد. سعد بن ابی وقاص خانه اش در مدینه و مصر را به فرزندان خود وقف کرد. زبیر بن عوام خانه های خود در مکه و مصر و پول اش در مدینه را به فرزندان خود وقف کرد. عمر بن عاص خانه اش در مکه را به فرزندانش وقف کرد. و حکیم بن حزام خانه های خود در مکه و مدینه را به فرزندان خود وقف کرد. علاوه بر این، اکثر همسران حضرت پیامبر (صلی الله علیه وآله) وقف خانوادگی داشتند. به عنوان نمونه، عایشه، ام سلمه، ام حبیبه، صفیه و حفصه اموال خود را به نفع خویشاوندان وقف کردند.

همه اینها مثال های مناسبی هستند

کرد. مضاف براین، برقوق اتابک در قرن هشتم تلاش کرد تا وقف خانوادگی را لغو کند. دلیل وی این بود که اغلب این وقف ها براساس زمین ملکی دولت، یعنی، زمین «میری» بود. بنابراین، اکثر وقف های حکام، چون وقف خانوادگی، وقف های غیر مناسب بودند. لذا، فتوایی از سوی فقهای مسلمان در باره این قضیه صادر گردید. این فتوا می گوید که هرگونه وقف خانوادگی درباره زمین «میری» باید لغو شود، به استثنای وقف عمومی. بااین وجود، در سال ۸۲۷ هجری، وقتی که حکام شروع به وقف مشترک، یعنی، خانوادگی و عمومی در زمین های «میری» کردند، این قانون مشکل دیگری را ایجاد کرد. با انجام چنین کاری، آنان از لغو وقف خود اجتناب کردند، زیرا که این وقف عمومی بود، اما هدف این قضیه اختصاص سهم بزرگ در آمد برای خانواده است.

در اواخر امپراطوری عثمانی و در قرن ۱۹ رژیم سلطان محمود دوم اصلاحاتی صورت گرفت که منجر به جدایی دولت از دین شد. این اصلاح برنهاد وقف اثر کرد و وزیر اوقاف از فقهای مسلمان جدا شد. هدف این

الاهلیه. سوء مدیریت امناء، باگذشت زمان و افزایش تعداد اموال وقفی، به وقوع پیوست. این قضیه اوضاع را بدتر کرده بود. به عنوان نمونه، بعضی از امناء سعی می کردند بعضی از اموال وقفی را از راه استبدال مصادره کنند. نمونه مناسب این مورد، در کتاب خطط المقریزی بدان اشاره شده است. ایشان می گفت که امین جمال الدین یوسف دو شاهد آورد که به قاضی القضاة کمال الدین شهادت بدهند که وقف همسایه به آنها ضرر رسانده است. لذا، آن اموال وقفی با پول معاوضه و سپس امین آن را گرفت. اما فقهای مسلمان در آن وقت قوانین و مقرراتی برای حمایت از هرگونه آسیب به اموال وقفی صادر می کردند. به عنوان نمونه، در باره آن مورد، فتوایی که تبادل اموال وقفی تنها براساس تبادل هرگونه اموال وقفی با اموال دیگر صادر کردند. علاوه براین، در دوران الظاهر بیبرز که سعی می کرد تمام زمین ها از جمله زمین وقفی را مصادره کند، امام محیی الدین النووی از انجام چنین کاری بازداشت. بهر حال، مالیات بر زمین های ملکی از جمله زمین وقفی مالیات وضع کرد. محمد علی پاش همان کار را تکرار

اصلاح ادغام مراکز محلی و نظارت بروقف موجود با دفتر مرکزی استانبول است. مدیران وقف جدید جهت اداره امور اوقاف منصوب شدند. در همان وقت، فقهای مسلمان که زیر نظر مستقیم دولت کار می کردند، کنترل اموال وقفی را از دست دادند، یعنی، تمرکز امور باعث تضعیف مقام آنان در جامعه شد. این امر منجر به گسترش سوء مدیریت و خرابی خود سامانه وقف شد، زیرا که بسیاری از مدیران انتصابی بامسائل حقوقی این نهاد آشنا نبودند.

ایجاد تمرکززایی وقف دری برای بسیاری از مشکلات باز کرد. به عنوان نمونه، بیکاری را ایجاد کرد، زیرا که امانا توسط واقف منصوب می شدند (در بسیاری از موارد، پسران واقف) و به حقوق ماهانه وابسته بودند تا اداره وقف خود. علاوه براین، سوء مدیریت در درون خود نهاد اتفاق افتاد، زیرا که اکثر اموال وقفی با مدیریت امنای انتصابی که هیچ قصد حمایت از این اموال را نداشتند، بود. این امر بغیر از دریافت حقوق ماهانه

یا داشتن فرصت جمع آوری مال از عایدات وقف برای خود بود. این امر، به نوبه خود، بسیاری از اموال وقفی را بلا استفاده کرده است، زیرا پول کافی نبود آنها را نگه دارد. مضافاً افراد ذی نفع اصلی باسود شروع به دریافت قرض کردند و محصولات کشاورزی خود را از زمین وقفی گرو می گذاشتند. این عمل منجر به اینکه قرض دهندگان دست های خود را بر روی محصولات کشاورزی زمین های وقفی قرض گیرندگان بگذارند. علاوه بر این، مردم شروع به ایجاد وقف خانوادگی کردند تا دختران خود را از ارث محروم کنند. این وضعیت تا زمان رژیم محمد علی پاش در قرن ۱۹ ادامه داشت. وی از میان دو میلیون زمین کشاورزی که به صورت زمین وقفی شده بود، ۶۰۰۰۰۰ فدان پیدا کرد، یعنی، یک سوم زمین کشاورزی وقفی بدون پرداخت مالیات بود. این بار دوم وضع مالیات بر اموال وقفی بود. اما این بار، وی نیمی از مالیات بر زمین وقفی را وضع کرد، در حالی

بهرحال، ایشان نمی توانست مانع از ایجاد وقف های جدیدی توسط مردم و خویشاوندان خود شود.

علاوه براین، استعمار تقریباً در همه کشورهای اسلامی تشنج زا بود. خرابی این نهاد حتی پس از استقلال از حکومت استعماری همراه با مشکلات و لغو وقف خانوادگی ادامه داشت.

لغو وقف خانوادگی

آغاز انقلاب در ۲۳ ژوئای ۱۹۵۲ در مصر شاهد نقطه آغازین لغو وقف خانوادگی نه تنها در مصر شد، بلکه در سوریه، تونس و پس از آن در سایر کشورهای مسلمان بوده است. علاوه براین، این قانون به وزارت اوقاف که در سال ۱۹۱۳ ایجاد شده بود، حقوق بسیاری برای اموال وقفی داده بود. به عنوان نمونه، این قانون این حق را داده است که تمام وقف عمومی را مدیریت، حق تغییر شرایط واقف و حق ابطال وقف به واقفین را داده است. تنها این امر، بلکه مردم

که ایشان تمام مالیات بر زمین های کشاورزی خصوصی وضع کرد. زیرا اکثر مردم با این سیاست موافق نبودند و ادعا می کردند که عایدات همه این وقف ها حمایت از همه مساجد بود. محمد علی برای حفظ مساجد تلاش بسیاری کرد و مالیات تمام بر زمین وقفی کشاورزی مانند زمین های ملکی خاص دیگر، وضع کرد. علاوه بر این، بدلیل مشکلاتی که از تمکززایی مدیریت وقف، مرقوم در بالا و بجای یافتن راه کارهایی جهت حل آن معضلات، محمد علی پاش بدنبال فتوایی که به اول اجازه ضبط همه اموال وقفی چه خانوادگی و چه عمومی بود. وی، براساس اعتراضات سه فقیه مسلمان عبد الله بن مسعود، عبدالله بن عباس وقاضی شریح نسبت به ایجاد وقف، همه اموال وقفی را در سال ۱۸۶۲ لغو کرد. این کار، تقریباً در همه کشورهای خاورمیانه که تحت سلطه امپراطوری عثمانی بودند، دنبال شد. اگر چه وی در کاهش ایجاد اموال وقفی جدید موفق شد، اما،

را از ایجاد وقف های جدید ناامید کردند. لذا، بسیاری از واقفین شروع به لغو کردن اموال وقفی خود، به استثنای وقف مساجد، کردند. این امر، در نتیجه سوء مدیریت اموال وقفی، همانطور که در بالا ذکر شد، بخصوص وقف خانوادگی که در آن دوره اهداف را محقق نمی سازد، شروع شد. در واقع و بدلیل نظارت نامناسب و سوء مدیریت اموال وقفی قدیمی برای خانواده ها، اختلافات متعددی و موارد غیر نظامی اتفاق افتاد که روحیه برادری را تضعیف کرد و منجر به دشمنی و نفرت در میان اعضای خانواده گردید. علاوه براین، دولت متوجه شد که این امر قسمت عظیمی از ثروت ملی که از بهره گیری مناسب آن به نحوی که به جامعه سود برساند و شایسته احزاب باشد، جلوگیری بعمل آید. مشکلات اشاره شده در فوق در باره وقف خانوادگی به عنوان عامل تشنج زا در مصر برای ضبط و لغو وقف خانوادگی عمل می کرد. در سال

۱۹۵۲ اولین قانون شماره ۱۸۰ به منظور لغو وقف خانوادگی صادر شده است. بدنبال آن قانون شماره ۵۲۵ صادره در سال ۱۹۵۴ به وزارت، حق و ضبط و لغو هرگونه وقف خانوادگی و مبادله آن با پول و تقسیم سهام بین اعضای خانواده را داد. در سال ۱۹۵۸ قانون دیگری به شماره ۱۲۲ صادر شد که به وزارت اوقاف حق مدیریت همه اموال وقفی را داد. بنابراین، تمرکززایی مدیریت وقف نه تنها در مصر بلکه در اکثر کشورهای اسلامی به وقوع پیوست.

فراخوان قانون نوین وقف خانوادگی

از نقطه نظرات فوق متوجه می شویم که هر وقت سوء مدیریت یا آزارسانی ها برای وقف خانوادگی اتفاق می افتاد، دولت یا حکومت فوراً بدنبال فتوا می افتاد تا برای چنین وقفی راه و چاره حمایت از وقف خانوادگی مورد نظر حضرت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و عامل به اصحاب و همسران وی را ضبط و یا لغو می کردند. ما نیز

* همچنین توصیه می شود هیئت وقف ایجاد گردد. در این هیئت اعضا از میان واقفین انتخاب و بر مدیریت وقف خود نظارت نمایند. همچنین سپاسگزاریم که افراد از دولت یا نهاد و مذهبی به عنوان عضو در این هیئت دعوت و ارشادات خود را به واقفین به منظور نظارت مستقیم بر امانا ابلاغ نمایند.

* اگر چه ما به انعطاف بیشتر در ایجاد وقف خانوادگی توصیه می کنیم. بهر حال، ایجاد چنین وقفی، در صورتی که حاکم شرع متوجه شود که قصد واقف ضد منافع اسلام، مانند محروم کردن بعضی اعضا از میراث یا وصیت نامه های خود شود، باید محدود گردد. در پایان، امید است که با طرح نقش تاریخی دولت اسلامی نسبت به نهاد وقف، حکومت ها در کشورهای مسلمان قانون وقف خانوادگی را بازبینی و واقفین جدید جهت ایجاد این نوع وقف با دادن اختیارات در مدیریت وقف خود، تشویق نمایند. بهر حال، نظارت مستقیم حکومت یا نهاد دینی بر امانا بسیار توصیه می گردد

متوجه شدیم بجای اینکه هر کس در این راستا به این اموال مانند روزهای صدر اسلام آسیب می رساند، تنبیه می شد، حکومت این آزاررسانی ها را تحمل کرد. قاضی القضاة هر امینی که گناه سوء مدیریت در چنین اموالی وی ثابت می شد، او را در ملاء عام تنبیه می کرد.

لذا، ما اعتقاد داریم وقت آن رسیده است که قانون وقف را بازبینی و مردم را به ایجاد وقف خانوادگی به سود آنان، خانواده ها و عموم باشد با در نظر گرفتن توصیه های زیر، تشویق نماییم.

* توصیه می شود این قانون که حق مصادره و لغو وقف خانودگی به حکومت در تمام کشورهای مسلمان با پیروی از همان قانون می دهد، بازبینی گردد.

* توصیه می شود به واقفین حق مدیریت وقف خود داده و حکومت و یا نهاد مذهبی به عنوان مجمع ناظر بتواند امانا را در صورت هرگونه سوء استفاده از اموال وقفی تنبیه نماید.